

فتویٰ

■ مؤلف: دکتر عبدالکریم زیدان

دکتر محمد زحیلی

■ مترجم: سید مصطفی محمودیان

www.kotab.ir

زیدان، عبدالکریم، ۱۹۱۷- م. Zaydan, Abd al- Karim

تقوی در فتوی / نویسندگان عبدالکریم زیدان، محمد زحیلی

مترجم سیدمصطفی محمودیان

تهران: نشر احسان، ۱۳۹۷:

۸۸ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۴۹-۴۴۵-۹

داشته: کتاب حاضر ترجمه‌ی بخشی از کتاب «اصول الدعوه»

تألیف عبدالکریم زیدان (تحت عنوان نظام‌الافتاء) و ترجمه‌ی مقاله‌ای از محمد زحیلی است.

موضوع: تقوا؛ Piety

شماره افشانه: ۱۳۴۱، مترجم سیدمصطفی، محمودیان، سیدمصطفی، ۱۳۴۱، مترجم

رده‌بندی کنگره: ۱۱۷۹ت/۵۵/۵۵۰/BP۲۵۰

رده‌بندی سی‌سی: ۱۷۰۳۲

شماره کتابشناسی ملی: ۸۱ ۳۴۴۹۱

تهران، خیابان انقضا، روی دانشگاه تهران، پاساژ فروزنده، شماره ۴۰۶.



www.nashrehsan.com

تلفن: ۹۵۴۴۰۴



تقوی در فتوی

نویسندگان: دکتر عبدالکریم زیدان

دکتر محمد زحیلی

مترجم: سید مصطفی محمودیان

ناشر: نشر احسان

چاپخانه: چاپ مهارت

نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۷

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۸۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۴۹-۴۴۵-۹

فهرست مطالب

- ۹..... اشاره و تقدیم
- ۱۱..... پیش گفتار مترجم
- ۲۳..... بخش اول: مستفتی
- ۲۷..... از چه کسانی استفتا کنیم؟
- ۲۸..... استفتا از اصلح
- ۲۸..... رأی ارجح
- ۲۹..... اصلح کیست؟
- ۳۰..... استفتاء از بیشتر از یک مجتهد
- ۳۱..... نظر ارجح کدام است؟
- ۳۲..... تکرار استفتا
- ۳۳..... چگونگی درخواست فتوا
- ۳۳..... استفتا بر اساس یک مذهب معین
- ۳۴..... نظریه‌ی راجح در این مسأله

- ۳۶..... آیا مستفتی از مفتی دلیل می‌طلبد؟
- ۳۷..... آداب مستفتی.....
- ۳۸..... بخش دوم: مفتی.....
- ۳۸..... شرایط مفتی.....
- ۳۸..... عادل کیست و عدالت چیست؟.....
- ۳۹..... اینها چیست و مجتهد کیست؟.....
- ۴۰..... اقسام مجتهدین.....
- ۴۰..... ۱. مجتهد مطلق.....
- ۴۱..... ۲. مجتهد درید، مداب مطلق.....
- ۴۲..... ۳. مجتهد در بخشی از علم.....
- ۴۳..... ۴. مجتهد در یک یا چند مسأله.....
- ۴۳..... خلاصه‌ی بحث انواع مجتهدین.....
- ۴۴..... شرایطی دیگر برای مفتی.....
- ۴۴..... ضرورت وجود مفتی.....
- ۴۵..... تربیت مفتی.....
- ۴۶..... بیان احکام از طرف مقلد افتا نیست.....
- ۴۸..... منع ماجن و جاهل از افتا.....
- ۴۸..... تأمین زندگی مفتی.....
- ۴۸..... ضامن بودن مفتی.....
- ۴۹..... برخی دیگر از وظائف و آداب مفتی.....

۵۱	بخش سوم: افتا
۵۱	نخستین متصدیان افتا
۵۱	فتوا بعد از پیغمبر ﷺ
۵۲	چه کسانی می‌توانند فتوا صادر کنند؟
۵۲	آیا مردم عادی می‌توانند فتوا بدهند؟
۵۳	رأی راجح
۵۳	آیا مفسی می‌توانند رأی کتب حدیث فتوا صادر کند؟
۵۴	چگونه شایستگی خود را برای پرداختن به افتا تشخیص دهیم؟
۵۴	اخلاص در افتا
۵۴	افتا بر چه کسی واجب است؟
۵۵	فتوا دادن بر چه کسانی حرام است؟
۵۵	امتناع و خودداری از افتا
۵۶	گرفتن دستمزد در مقابل افتا
۵۷	بخش چهارم: فتوا
۵۷	اساس فتوا
۵۸	چگونگی فتوا
۵۹	تفاوت میان حکم و فتوا
۶۱	ضمیمه «مقاله دکتر محمد زحیلی»
۶۱	تقوا در فتوا
۶۲	اهمیت فتوا
۶۴	عوارض تباه کننده‌ی فتوا

۶۵	نگاهی تاریخی به فتوا
۶۷	پرهیز از فتوا
۷۲	حکم فتوا
۸۵	منابع و مآخذ

www.ketab.ir

پیش گفتار مترجم

مسلمان در ایندو بوژر اسلام باید تمامی اعتقادات، افکار، اخلاق، رفتار و کردارهایش، از روی آگاهی مطابق دین و از روی دلیل و برهان باشد و لازم است که همه‌ی آن‌ها را از منابع معتبر دریافت کند و بعد از یافتن یقین و اطمینان از صحت آن‌ها و در بعضی مسائل حداقل با داشتن نظر آن‌ها را پذیرفته و بدان‌ها عمل نماید. همچنین برای هر آنچه بدان معتقد است و هر سبک و رفتاری که سرمشق خود قرار می‌دهد و هر کاری که عملی می‌سازد، خواه با علم باشد یا نه، شش با برای غیر خود، اعم از فرد، خانواده یا جامعه، باید دلیلی داشته باشد که صحیح عقید، درست‌گفتار و جواز کردار را بقبولاند و هیچ کاری بدون دلیل قابل قبول نیست. زیرا در بین مبین اسلام، مسلمان را از انجام دادن کاری که از ماهیت، درست‌گفتاری یا نادرستی، سود زیان آن بی‌خبر است بازداشته و هشدار داده است. خداوند متعال می‌فرماید:

(اسراء: ۳۶)

﴿وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ﴾

«دنبال چیزی نرو که نسبت به آن علم و آگاهی نداری.»

بدیهی است که ما همه‌ی مفاهیم و معلومات و معارف خود را از سه منبع مهم زیر

دریافت و به تعبیر دیگر منابع شناخت ما را از این سه منبع تشکیل می‌دهند:

۱. خبر صادق، شامل وحی و سخن کسی یا کسانی که به راستی سخن آنان یقین کامل داریم.
۲. عقل سلیم.
۳. تجربه و ادراک حسی.

این سه منبع - چنانچه موانع و عوارض را در نظر نگیریم - در اختیار هر انسانی می‌باشند. اما هیچ‌کس نمی‌تواند معلومات خودش را بدون یاری گرفتن و بهره‌بردن از دیگران، از هیچ‌کدام از این منابع دریافت کند؛ چون انسان نه می‌تواند تمامی یافته‌های حس و تجربه را درک کند و نه قادر است همه‌ی معقولات را به تنهایی با عقل خود دریافت نماید. به‌توان فهم دقیق و درک عمیق خبر صادق (وحی) را دارد. از این رو ناچار است برای فهم بیشتر، شامل از هرکدام از این سه منبع از دیگران نیز یاری بجوید و بهره‌برد؛ به‌ویژه برای درک عمیق و فهم شامل وحی لازم است به درجه‌ی اجتهاد^۱ برسد تا بتواند منظور و مقصود از کلام جانیه قرآن و سنت پیامبر ﷺ را بفهمد. مجتهد هم نمی‌تواند به تنهایی و بدون استاد و سالعه‌ی کتب دیگران و تبادل آراء، استفاده لازم را ببرد و یا برای دیگران مفید واقع شود.

برای رسیدن به رتبه‌ی اجتهاد و مرحله‌ای که از آن می‌توان با رسیدن به آن، خودش با نگرستن به قرآن و سنت پیامبر ﷺ همه‌ی مسائل عقیدتی، اخلاقی و احکام شرعی

۱. «اجتهاد» در لغت به معنی سعی فراوان کردن و در اصطلاح عبارت است از به‌کار بردن سخن فقیه تمام توانایی خود را در تحصیل ظن نسبت به حکم شرعی. لازم به ذکر است که فقیه در این عبارت همان مجتهد است و مجتهد کسی است که دارای شرایط زیر باشد: ۱. به حد بلوغ رسیده باشد. ۲. نسبت به دلیل عقلی یعنی براهت اصلیه و طریقه‌ی تمسک بدان آشنایی و بصیرت کامل داشته باشد. ۳. حداقل درجه‌ی متوسط اطلاع از موارد زیر را داشته باشد: الف) علوم زبان عرب مانند لغت، صرف، نحو، معانی، بیان و امثال آن‌ها. ب) علم اصول فقه، ج) آیات و احادیثی که مدرک احکام واقع می‌گردد. ۴. اطلاع کافی از مواقع اجماع. ۵. همچنین اطلاع کافی درباره‌ی ناسخ و منسوخ. توضیح بیشتر در این باره در متن کتاب خواهد آمد. (مترجم)

و... را درک کند، راه طولانی و دشواری در پیش است و رسیدن به این درجه، به ویژه در شرایط کنونی حاکم بر کشورهای اسلامی، جز برای عده‌ای بسیار بعید به نظر می‌رسد. برای همین بیشتر مسلمانان - به استثنای کسانی که به درجه‌ی اجتهاد نایل آمده‌اند - باید از یکی از مجتهدان زنده یا مرده پیروی نموده و از طریق او به احکام خدا پی ببرند.

از میان کسانی توان درک مذهب و اقوال مجتهدان را دارند که ضمن تسلط کامل بر زبان عربی، به اصطلاحات و سبک کتب فقهی نیز آشنا باشند. به خصوص اگر آرا و اقوال مجتهدان زبانی تدوین یا ترجمه شده باشد که مقلد نتواند از آن استفاده کند. لذا تمامی کسانی که سواد هستند و همچنین کلیه‌ی افراد باسوادی که معلوماتشان در حد درک و فهم درست منابع فقهی نیست، باید به کسانی عالم‌تر از خودشان مراجعه کرده و مسائل مورد ابرام را از آنان سؤال کنند؛ همان گونه که انسان در امور عقلیه از عقل دیگران استفاده می‌کند و در قضایای تجربی روزمره، از تجربه و همکاری دیگران بهره می‌گیرد؛ مثلاً برای سنجش باران و تعمیر یکی از وسایل خانگی، در صورتی که شخصاً نتواند به آن اقدام کند، از استادکار مربوطه یاری می‌جوید. در مسائل شرعیه نیز باید به متخصص و کارشناس ذیربط مراجعه کنید، چون در غیر این صورت یا عمل به شریعت را پشت سر می‌گذارد یا به میل خودش به تشیع و قانون‌گذاری روی می‌آورد و آنگاه علاوه بر اینکه این عمل از وی پذیرفته نمی‌شود، کفایت شرعی (شرک تشریحی)^۱ را هم مرتکب شده است. حتی به نظر بعضی از علما، اگر عمل شرعی کسی که

۱. «شرک تشریحی» یعنی حق قانون‌گذاری که مخصوص خداست به غیر او واگذار گردد؛ چراکه فقط خدا می‌تواند برای بشری که آفریده‌ی او است قانونی وضع کند که برای هر خانواده، قبیله و اجتماعی در هر عصر و مکانی و برای تمام جوانب حیات روحانی و جسمانی شایسته بوده و باعث عزت و مسرت در دنیا و فلاح و نجات در عقبی باشد. اضافه می‌شود که در برابر شرک تشریحی شرک تکوینی قرار دارد و آن نیز عبارت است از اینکه کسی یا کسانی در کارهایی که در حیطه‌ی قدرت خدا بوده و تنها از دست او بر می‌آید، شریک قرار داده شوند، مانند تشریک در آفرینش و اداره‌ی جهان هستی و آنچه در آن بوده یا هست و یا به وجود می‌آید، اعطای مرگ و زندگی،

بدون مراجعه به منابع و صاحب نظران دینی و تنها با میل و آرزوی نفس خود انجام دهد، درست هم باشد، باز از وی پذیرفته نمی‌شود. برای همین مسأله‌ی استفتا (طلب فتوا کردن) و افتاء (فتوا دادن) به عنوان یک وظیفه، واجب و ضروری است.

از آنجا که انسان ناآگاه نسبت به مسائل دینی وظیفه دارد برای کسب دانش و پیش به دانایان و اهل نظر مراجعه کند، انسان‌های آگاه و به تعبیر دین (علما) نیز وظیفه دارند در تبلیغ همه جانبه‌ی اسلام کوتاهی نکرده و قضایای مختلف دین را، چه در زمینه‌ی اعتقادات و چه در زمینه‌ی احکام، اخلاق و غیره به مردم برسانند؛ زیرا بعد از پیامبر ﷺ وظیفه‌ی تبیین و تبلیغ بر دوش علما بوده و میراثی است گرانبها که برای آنان باقی مانده است. پیغمبر ﷺ در حدیثی فرموده است:

(... إِنَّ الْعُلَمَاءَ وَرَثَةُ الْأَنْبِيَاءِ وَإِنَّ الْأَنْبِيَاءَ لَمْ يُورَثُوا دِينَارًا وَلَا دِرْهَمًا وَإِنَّمَا وَرَثُوا الْعِلْمَ فَمَنْ أَخَذَهُ أَخَذَ حَقًّا وَافِرًا).^۱

«بی‌گمان علما وارثین پیامبرانند و در واقع پیامبران درهم و دیناری از خود به جا گذاشته‌اند، و تنها علم را از خود بر جا گذاشته‌اند؛ پس هر کس علم را از او بگیرد، بهره‌ی بزرگی را به ارث برده است.»

واژه‌ی «علما» به معنای قشر خاصی با لباس عسکر زنگی ویژه نیست، آن چنان که در میان بعضی از مردم این تصور به وجود آمده و متأسفانه زیارت‌های جبران ناپذیری برای جوامع اسلامی در برداشته و در اثر آن مسلمانان زیادی از زیارت بار مسئولیت‌شانه خالی کرده‌اند، به تصور این که تا کسی عنوان و لباس ملا یا ماموستا مزاری را نداشته

مرض و بهبودی، برچیدن نظام آفرینش، برپا ساختن حشر و نشر، حساب و کتاب، توبوب و تعذیب، بانگ و هوار شنیدن و به فریاد رسیدن و بالاخره تأثیر حقیقی در هر فعل و حرکت و تغییری که در هر شمی اعم از جاندار و بی‌جان، خرد و کلان به وجود می‌آید و ... (مترجم)

۱. منصور علی ناصف، التاج الجامع للاصول، ج ۱، ص ۶۳.

و صاحب مسجد و منبر نباشد، موظف نیست که به وظیفه‌ی تعلیم و تربیت و امر و نهی و بیدارسازی مردم بپردازد.

حال آنکه چنین طرز تفکری دلیلی از قرآن و سنت ندارد، بلکه بالعکس از نظر دین مبین اسلام، هر شخصی که از مسائل دین آگاهی دارد، خواه با تحصیل در مدارس دینی یا از یری تحصیلات رسمی و مطالعه و پرس و جو به آن دست یافته باشد، یک عالم به شمار می‌آید و هر کسی در هر سطحی از علم باشد، به نسبت کسانی که به پایه‌ی او نمی‌رسند، عالم به شمار می‌آید و باید وظیفه‌ی تبلیغ، تعلیم و دعوت را انجام دهد و در توجیه و تفسیر کلماتی که به سطح دانش و بینش او نمی‌رسند، تلاش و کوشش لازم را به کار برد، و چنین فردی نسبت به کسانی که از او داناتر بوده و از معلومات و معارف و فهم بیشتر، برخوردارند، سمت شاگردی دارد و باید به آنان مراجعه نماید و به توجیهاات و سخنانشان گوش دهد، پیامبر خدا ﷺ فرموده است:

(لَا يَنْبَغِي لِلْجَاهِلِ أَنْ يَسْكُتَ عِلْمًا، وَلَا لِلْعَالِمِ أَنْ يَسْكُتَ عَنْ عِلْمِهِ).^۱
 «شایسته نیست نه جاهل بر جهل خود ساکت بماند، نه عالم بر علم خود.»

از ابودرداء نقل شده و گفته است:

(كُنْ عَالِمًا أَوْ مُتَعَلِّمًا أَوْ مُسْتَمِعًا وَلَا تَكُنِ الرَّابِعَ فَهَيْكَلٌ)

«یا عالم باش یا متعلم و یا شنونده و چهارمی مباش که هایت زوی.»

مسائل دینی در این رابطه به دو دسته تقسیم می‌شوند؛ دسته‌ای از مسائل را که ساده، مشهور و مورد اتفاق می‌باشند، هرکس می‌تواند آن‌ها را یاد گرفته و به دیگران یاد بدهد، مانند برخی از مسائل عقیدتی، قضایای اخلاقی، احکام حلال و حرام و چگونگی

۱. غزالی، احیاء علوم الدین، ج ۱، ص ۸.

۲. همان.

داشتن ارتباط با اعضای خانواده و یا همسایگان که تعلیم و تعلم این گونه مسائل برای هر مسلمانی در حد توان امکان‌پذیر است.

اما دسته‌ای دیگر از مسائل هستند که هرکس نمی‌تواند آن‌ها را از منابع مربوطه دریافت نماید و فهم و استنباط آن‌ها نیازمند وجود متخصص است. مانند برخی از مسائل ربز و عمیق اعتقادی، بسیاری از احکام فقهی به ویژه قضایای پیچیده فقهی، تفسیر و تبیین کلی قرآن و سنت پیامبر ﷺ که برای اینگونه مسائل باید همیشه در میان مسلمانان کسانی باشند که از روی آگاهی کامل و تخصص لازم، به توضیح و تبیین آن‌ها پرداخته و منظور شارع را در حد توان برای مسلمانان روشن نمایند. خداوند عارف می‌فرماید:

﴿وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ يَتَّبِعُونَكَ إِذْ سَأَلْتَهُمْ لَمَّا نَزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً أَنْ سَخِرْتُمْ بِهِ لَئِيَّتَقَفَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيَذْرَآءَ مِنْهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ﴾

(توبه: ۱۲۲)

«مؤمنان نباید همگی [برای جهل با ستمگرا] بیرون روند [و درس خواندن را رها کنند] چرا از هر قومی عده‌ای عازم میدان‌های تحصیل نمی‌شوند تا در دین آگاهی یابند، و هنگامی که به سوی قوم خود بازگشتند آنان را [به احکام دین آشنا کرده و از عواقب عدم اطاعت] بترسانند تا [از مخالفت فرمان پروردگار] برحذر باشند.»

آری مسؤولیت علما، اعم از کسانی که نسبت به پایین‌تر از خود عالمان و کسانی که در علوم دینی متخصص‌اند، بسیار خطیر و سنگین بوده و نباید لحظه‌ای از وظیفه‌ی خود غافل بمانند و به بهانه‌های واهی از زیر بار آن بیرون رفته و شانه خالی کنند. علما، مبلغین و دعوتگران باید به فراخور حال مخاطبان‌شان و به گونه‌ای رسا و جالب توجه، مسائل را روشن و تبلیغ نمایند. چیزی را که در درستی یا نادرستی آن شک

دارند، ابلاغ نکنند. از گفتن مسائلی که اختلاف برانگیز است و یا نفع بیشتر دین در سکوت درباره‌ی آن می‌باشد، بپرهیزند و در گفتن حق از هیچ‌کس نهراسند و در راه دعوت از منافع دنیوی خود بگذرند و جبران خسارتهای مادی را از خدا و برای روز آخرت بخواهند و به جز هنگامی که طبق موازین امر به معروف و نهی از منکر، مجاز به سکوت و کتمان هستند، از دعوت و تبلیغ دست برندارند و مهم‌تر از همه لازم است مسائلی را که می‌خواهند تبلیغ کنند، نخست خودشان چنانچه شرایط انجام آن را دارا هستند عملی سازند. چون هر چند عمل نکردن به برخی از امورات دین از سوی مبلغ، سبب سقوط مأمولیت بیغ و ارشاد نمی‌شود، زیرا عمل وظیفه‌ای است و تبلیغ و ارشاد وظیفه‌ای دیگر، اما افساد بون عمل تأثیر چندانی ندارد و چه بسا مخاطبان و شنوندگان مبلغینی که مراد را به بین فرا می‌خوانند ولی خود در میدان عمل و اهل کار نیستند و گفته‌های خودشان را بر خود تطبیق و اجرا نمی‌کنند، نه تنها به حرف آن‌ها گوش فرا نمی‌دهند، بلکه روز به روز و بیش از پیش از دین و دینداران گریزان می‌شوند.

همچنان که حافظ غزل سرای بزرگ گفته است:

ما میدان رو به سوی کعبه چون آریم چون

روی سوی خانه سمار دارد پیر ما؟

وظیفه‌ی دعوت به سوی دین و راهنمایی مسلمین، بعضی اوقات بیش از هر وقت دیگری، وجوب و حتمیت پیدا می‌کند، و آن هنگامی است که مردم نسبت به احکام دین جاهل باشند یا بدعت‌ها و خرافات به سوی دین هجوم بیاورند. بیز که دین در معرض خطر تحریف و دستبرد دشمنان باشد و درصدد فعالیت علیه آن برآیند.

اگر دعوتگران به سوی دین، در چنین مواقعی یا هر وقتی که تبلیغ و ارشاد واجب باشد، از دعوت و تبلیغ خودداری کنند، گناه بزرگی را مرتکب شده و از طرف خدا

بازخواست و مؤاخذه خواهند شد. چون این کار به منزله‌ی کتمان و مخفی نگاه‌داشتن علم است، امری که از دیدگاه قرآن و سنت نبی اکرم ﷺ موجب عذاب اخروی است. چنان‌که بر علما یا هرکس آشنا به دین، واجب است وظیفه‌ی خود را در راه توجیه و ارشاد مردم ادا نماید، مردم هم وظیفه دارند به حرف آنان گوش فرا داده و آنچه را که از آنان می‌شنوند، یاد بگیرند و سپس آن را هم بر خودشان و هم در سطح خانواده و جامعه اجرا نمایند. در غیر این صورت حجت بر آنان تمام شده و مسؤولیت از دوش مبلغان برداشته شده و بر عهده‌ی آنان قرار می‌گیرد. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿إِنَّمَا آيَاتُ اللَّهِ لِلَّذِينَ آمَنُوا عَلَىٰ أَنفُسِكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ مَن ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ إِلَىٰ رَبِّكَ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فِئْتَبْتُمْ بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ﴾

(مانده: ۱۰۵)

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید مواظب خودتان باشید (مرتکب معاصی نشوید) چنان‌که شما هدایت پیدا کنید (که از جهل و جهل دیگران و امر به معروف و نهی از منکر است) گناه و انحراف گمراهان، زبانی به شما نمی‌رساند (چون مسؤولیت شما اتمام حجت است) و بازگشت همه به سوی خداست و شما را نسبت به آنچه می‌کردید آگاه می‌سازد.»

مردم همچنان که گفته شد مسائلی را که یاد می‌گردد و عملی می‌سازند باید در حد توان آن را به دیگران تبلیغ و توصیه نمایند؛ زیرا تمامی مسائلی در مجال یکدیگر چه از لحاظ تعلیم و تربیت و چه به جهت کمک‌های مادی و غیره مسؤولیت دارند و با استناد به آیات و احادیث مؤمنان موظفند که در راستای دفع و رفع مفسد با فکر و دست و مال و جان، نهایت تلاش و کوشش خود را به کار بندند. خداوند متعال می‌فرماید:

﴿إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾

(حجرات: ۱۰)